

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختري
همبورگ - جرمني

بخش دوم "نواي غربت"

(قسمت اول)

رباعيات، دوبيتيها و غيره

زن نامهربان

زن نامهربان را خوش ندارم
بخیل و بد گمان را خوش ندارم

عجب عیب کلانست بد زبانی
زنان بد زبان را خوش ندارم

منعم مُمسک

الا ای مُنعما راه درت گم
شده مهمانسرا و لنگرت گم

نه از مالت زکات و نی براتی
خدا سازد تجارت از سرت گم

تعریف جوانی

اگر غم با طبیعت هم ترنگ است
سرور و شادمانی رنگ رنگ است

جوانی روزگار آب و رنگ است
به پیری این جهان چون حلقه تنگ است

زنان بد زبان

اگر غم با طبیعت جسم و جان است
بساط شادمانی هم در آن است

فقط چیزی که رنج جاودان است
درین دنیا زنان بد زبان است

رفیقِ نورس

اگر غم با طبیعت صبح و شام است سُرور و شادمانی هم مُدام است
فقط چیزی که دوزخ بالتمام است رفیقِ نورس و بیرنگ و خام است

بی نام و نشان

عالم هستم، فاضل هستم، چیستم؟ صوفی هستم زاهد هستم، کیستم؟
{ناظما} نی نام دارم نی نشان خود نمیدانم چرا من زیستم؟

آئینه باید بی عُبار باشد

روی آئینه اگر باشد بُخار رفته رفته می شود بی اعتبار
ور نباشد بر رخس گرد و عُبار محرم خوبان شود لیل و نهار

ارزش کار

در خانه و در مسجد در کوچه و در بازار هرکس که بپا خیزد از کار ندارد عار
در دین مبین ما در ذهن و یقین ما راحت نتوان بودن آنکس که بُود بیکار